



مطلع عشق

رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرمایند:

زنائی پیدا می‌شوند که هوسباز و دلفریب می‌باشند، موهای خود را طوری آرایش می‌کنند که مانند کوهان شتر جلوه‌می‌کند. اینان داخل بهشت نمی‌شوند و حتی بوی آن را استشمام نمی‌کنند. (صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۶۸۰، ح ۲۱۲۸)

اختلال در هویت جنسی کودک و نوجوان موضوعی است که برخی خانواده‌ها نگران آن هستند

پسرانه یا دخترانه؟!

نسرین صفری / روان‌شناس بالینی

اگر رفتارهای فرزندتان چیزی متفاوت از رفتارهای تعریف شده اجتماعی و خانوادگی بوده و بیشتر تداعی کننده رفتارهای منتخب جنس مخالف‌اش است یا عملکردها و انتخاب او ناسازگار با شخصیت و جنسیت اوست، پیشنهاد می‌کنیم این شماره چار دیواری با ما همراه باشید تا با علائم اختلال هویت جنسی کاذب و واقعی آشنا شوید و راه‌های صحیح مواجهه درست با آن را بدانید.

وقتی بدن با روان هماهنگ نیست!

سه سالگی شروع آگاهی جنسی کودک است به این صورت که کودک در ابتدا شناختی از اجزای تناسلی خود پیدا می‌کند و می‌فهمد پسر است یا دختر و بعد از آن نیز به تدریج متوجه تفاوت‌های دو جنس می‌شود و از حدود چهار یا پنج سالگی هم علنا در باره مسائل جنسی کنجکاوی می‌کند، مثلاً ممکن است از پدر و مادر خود بپرسد که تفاوت‌های بین دختر و پسر چیست؟ یا این که چرا یکی دختر است و دیگری پسر و... به موازات همین آگاهی و شناخت جنسی است که کودک نقش‌های موافق جنسی خود را هم می‌پذیرد، برای مثال اگر دختر است تمایل دارد لاک بزند و موهایش را بلند کند، لباس دخترانه بپوشد و عروسک بازی کند و یا اگر پسر است دوست دارد ماشین بازی کند، اسامی بازیکنان فوتبال را حفظ کند و...

در دوران دبستان یعنی هفت تا ۱۲ سالگی اغلب دوست‌بایی‌ها به سمت جنس موافق است، اما با رسیدن به دوران نوجوانی و بلوغ مساله تمایلات جنسی شکلی دیگر به خود می‌گیرد. از این زمان به بعد نوجوان به طور طبیعی به سمت جنس مخالف کشیده می‌شود که این کشش طبیعی بیشتر در جهت شناخت قابلیت‌های جسمی و توانایی‌های خود، هم‌جنسان و جنس مخالف است.

برخی نوجوانان هنگام بلوغ یا شاید خیلی قبل‌تر از آن یعنی از دوران کودکی، با آن که به لحاظ فیزیولوژیک، آناتومی و هورمونی به مانند یک دختر یا پسر هستند اما به لحاظ آگاهی، تمایلات، هویت و نقش‌پذیری جنسی کاملاً مخالف با طبیعت بدنی خود رفتار و صحبت می‌کنند مثلاً پسری از همان دوران کودکی ممکن است فکر کند دختر است یا روزی دختر خواهد شد، چنین افرادی مبتلا به اختلال هویت جنسی یا ترانسکسوال هستند.

گاهی عدم پذیرش جنسیت موقتی است

همان‌طور که اشاره شد افرادی را که آگاهی جنسی و نقش‌پذیری جنسی متفاوتی با وضعیت آناتومیک بدنشان دارند، ترانسکسوال می‌نامند اما برخی افراد مبتلا به ترانسکسوال کاذب هستند یعنی به صورت موقت و دوره‌ای تحت تلاطمات روحی، عاطفی یا وابسته به نیازها و خواسته‌ها در نقش جنس مخالف ایفای نقش می‌کنند به طور مثال دختر نوجوانی که پذیرای قید و بندها و محدودیت‌های خانوادگی نیست صرفاً به خاطر داشتن اختیار عمل و آزادی بیشتر سعی می‌کند مانند پسر رفتار کند یا پسری که بسیار احساسی و نیازمند نوازش است مانند دختر رفتار می‌کند و... این افراد اغلب از جنس خودشان متفرق نیستند و قبول دارند و پذیرفته‌اند که چه جنسیتی دارند اما به منظور دریافت منفعتی یا اجابت خواسته‌ای، آگاهی جنسی‌شان را به طور کاذب و دوره‌ای تغییر می‌دهند.

نگران این رفتارها نباشید

برخی والدین با دیدن چند نشانه متضاد با جنسیت کودک شان احساس ترس و پریشانی می‌کنند، به این دسته از والدین باید بگوییم علائم و نشانه‌های ترانسکسوال فقط در بازی‌ها و پوشش‌های کودک تجلی نمی‌کند، بلکه نشانه‌ها را باید در تمامی حوزه‌های شخصیتی، هویتی، جنسی، رفتاری، اخلاقی و خانوادگی کودک جست‌وجو کرد، برای مثال در مواجهه با دختر بچه پنج ساله‌ای که فوتبال بازی می‌کند و در عین حال لباس‌های دخترانه می‌پوشد و از همه مهم‌تر در پاسخ به سوال «تو دختر هستی یا پسر؟» پاسخ درست می‌دهد، جای هیچ نگرانی نیست اما در برابر کودکی که از پوشیدن لباس‌های متناسب با جنس خود به شدت خودداری می‌کند یا در پاسخ به پرسش «تو دختر هستی یا پسر؟» خود را همجنس جنس مخالف خود می‌داند اندکی باید تأمل کرد. روان‌شناسان معتقدند حتی در این شرایط نیز نمی‌توان نظری قطعی اعلام کرد چه بسا ممکن است کودک در شرایطی خاص ترجیح

شاید مقصر پدر و مادر باشند!

گاهی تمایل افرای یا موفق نبودن والدین در دختر یا پسر دار شدن باعث می‌شود آنها تربیتی مخالف با جنسیت فرزندشان اعمال کنند؛ مثلاً خانواده‌ای که دوست دارند پسر دار شوند، اما دختر دار می‌شوند فرزندشان را مثل پسر هابار می‌آورند، لباس‌های پسرانه تن دخترشان می‌کنند یا او را مجبور به انجام فعالیت‌های پسرانه می‌کنند و... این دسته از افراد نیز ترانسکسوال کاذب به حساب می‌آیند، چون یک عامل بیرونی علت ابتلای آنها به این اختلال است. معمولاً این گروه از والدین هنگام نوجوانی یعنی درست زمانی که فرزندشان برخلاف انتظار آنها رفتار می‌کند یا اصرار به ادامه رفتارهای جنس مخالفش دارد، تازه متوجه اشتباه و زیاده روی هایشان می‌شوند و بی‌گمان تصمیم آنها به بازگرداندن دوباره فرزندشان به جنس خودش، کاری سخت و دشوار خواهد بود.

دهد یا حتی تشویق شود مانند جنس مخالف رفتار کند به طور مثال اگر پدری دختر دوست باشد بسیار احتمال دارد فرزند پسرش تنها به منظور جلب نظر و توجه او مانند دختر رفتار کند یا حتی ممکن است پسری دیگر به دلیل تک پسر بودن یا حضور در جمع‌های خانوادگی و فامیلی که اکثریت آنها خانم هستند، از رفتارهای زنانه تقلید کند و آنها را بخشی از خانه رفتاری خود بداند و... در چنین شرایطی باید به جای ترس و نگرانی به دنبال روش‌هایی برای رفع نهاده‌ها کرد این وضعیت ترانسکسوال کاذب بود؛ مثلاً مانع جلب نظر او شود.

چه زمانی مساله جدی است؟

نقش‌پذیری جنسی تا حد زیادی تابع خانواده و محیط است؛ به طور مثال یک دختر بچه از مادرش الگوبرداری می‌کند و یک پسر بچه دوست دارد مانند پدرش رفتار کند، به همین دلیل خانواده‌ها باید از همان اوایل کودکی نقش‌پذیری فرزندشان را با آگاهی جنسی، آناتومی و فیزیولوژی بدنش هماهنگ کنند؛ بازی‌ها، فعالیت‌ها و ورزش‌هایی که متناسب با جنس کودک است را به او پیشنهاد دهند؛ مثلاً دختر را تشویق به خاله بازی و آشپزی کنند و پسرهارا متمایل به انجام خریدهای خانه و کارهایی اندک دشوار ترغب نمایند. حال اگر پدر و مادر احساس کنند با وجود تربیت صحیح جنسی، رفتار فرزندشان موافق جنسیت او نیست مثلاً پسرشان بیشتر دوست دارد رفتارهای مادرش را تقلید کند یا تمایلی به دوستی با گروه همسالان پسر خود ندارد یا در دوره نوجوانی به جای این که به سمت جنس مخالف کشیده شود، جنس موافق را انتخاب می‌کند یا چون خودش

را دختر فرض می‌کند سمت پسرها کشیده می‌شود، خیلی ظریف و طنازانه صحبت کند، لباس زنانه بپوشد، آرایش می‌کند، ابروهایش را بردارد و... حتماً باید به روانپزشک مراجعه کنند تا با مصاحبه، بررسی‌های فیزیولوژیک و آناتومیک و آزمایش‌های هورمونی مشخص شود فرزندشان مبتلا به ترانسکسوال واقعی است یا کاذب.